

سیر اکمالی انسان با انسان کامل

(توجه، تقرب و توحید)

اسماعیل شفیعی سروستانی

فهرست

مقدمه.....	۹
غفلت معلمان، مبلغان و واعظان.....	۱۲
فصل اول: شناخت و معرفت امام، یک ضرورت.....	۱۵
هستی‌شناسی ولایی.....	۱۷
تقدّم خلقت نوری و روحی بر خلقت اجسام.....	۲۱
قلب عالم امکان.....	۲۲
ضرورت گفت‌وگو از امام.....	۲۹
جعل امام و مدنی الطّبع بودن انسان.....	۳۱
اعلام رسمی ولایت و امامت دوازده امام (علیهم‌السلام).....	۳۵
ضعف ذاتی مردم و علوّ ذاتی امام.....	۳۹
قرآن ناطق واجد بطوننی است!.....	۴۱
امام، طلب جان آدمی!.....	۵۳
تمایل دل‌های مؤمنان با نهایت شوق به سوی امام.....	۵۶
امام، انسان کامل، مظهر کمال و مجرای نیل به کمال.....	۶۹
مفهوم‌شناسی انسان کامل.....	۷۱

زیارت؛ زمینه ساز تقرّب و توجّه	۷۷
انسان ناقص در جست‌وجوی انسان کامل	۸۵
تقرّب و صراط مستقیم	۹۲
انواع هدایت	۹۴
حدیث معرفت	۹۹
مراتب معرفت	۱۰۵
۱. معرفت به اسم؛ معرفت بادیه‌نشینان	۱۰۶
۲. معرفت به اوصاف خُلُقی (معرفت ساحل‌نشینان)	۱۰۷
۳. معرفت به شرایط تاریخی و اوضاع سیاسی و ...	۱۰۸
۴. معرفت به ولایت تشریعی امام (معرفت شناگران)	۱۰۹
۵. معرفت به ولایت تکوینی امام؛ معرفت غوّاصان	۱۱۱
۶. معرفت به نورانیت (پروانگان پرسوخته)	۱۱۷
معرفت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به نورانیت	۱۲۱
مراتب و درجات ایمان	۱۲۴
طولی بودن مراتب و درجات ایمانی	۱۲۷
مراجعة ابوذّر به سلمان رضی الله عنه و طلب معرفت	۱۳۱
غایت‌انگاری و صیوریت	۱۳۱
انتظار، ذاتی وجود آدمی	۱۳۵
فصل دوم: توجّه، تقرّب و توحید	۱۵۷
حدیث زنجیره زرّین	۱۵۹
حدیث قرب نوافل	۱۶۴
تولّی و تبرّی، شرط دخول به حصن حصین	۱۷۷
زیارت عاشورا منشور تولّی و تبرّی جستن	۱۸۰

مقدمه

موضوع و مفهوم منجی گرایی و باور به وجود موعودی مقدس، فصل مشترک فرهنگ عموم اقوام و ملل است؛ خواه ذیل ادیان توحیدی، واجد هستی شناسی دینی باشند یا غیر آن. این امر افشاگر ذاتی بودن انتظار در وجود انسان است؛ بلکه پرده از طلب عمومی انسان ها برای یافتن رهبری برمی دارد که در گذار از فراز و نشیب های تاریخ آنها را یاری داده و به سلامت به منتها الیه برخورداری، امنیت و سرانجام سعادت برساند.

این امر انسانی در حوزه تفکر دینی و معنوی اسلام، تحت عنوان «ضرورت شناخت امام» وارد شده و مؤمنان به سوی آن دعوت شده اند. از امام معصوم (علیه السلام) نقل شده است:

«بنده، مؤمن نمی شود تا آنکه خداوند و رسول او و تمامی امامان و امام زمانش را بشناسد و [امورش] را به او برگرداند و در برابر او تسلیم باشد.»^۱

۱. «لَا يَكُونُ الْقَبْدُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَعْرِفَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْأئِمَّةَ كُلَّهُمْ وَ إِمَامَ زَمَانِهِ وَ يَرُدَّ إِلَيْهِ وَ يُسَلِّمَ لَهُ.» (کلینی، محمد بن یعقوب، «الکافی»، تهران، اسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ هـ.ق، ج ۱، ص ۱۸۰).